



هیچ مذاکره‌ای
PDF Compressor Free Version
و تایید رهبری
شکل نمی‌گیرد



شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۵ / ۶ جمادی الاول ۱۴۴۸ هـ. ق / 17 October 2026 / شماره ۷۳۳۱ / سال بیست و نهم



از مقاومت هویتی تا بحران مشروعیت در جمهوری آذربایجان

یادداشت

حجاب و شکاف بین دینداران و سکولارها

نسبیه پیرایش

اعتراضات بی‌سابقه به محدودیت‌های پوشش در مدارس جمهوری آذربایجان، موج جدیدی از تنش‌های اجتماعی را در این کشور ایجاد کرده است. ماجرا از ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ آغاز شد؛ زمانی که دولت باکو با اصلاح مقررات لباس فرم مدارس، پوشش‌هایی را که با ماهیت سکولار آموزش دولتی مغایرت داشت، ممنوع اعلام کرد. اگر چه در متن مصوبه اشاره مستقیمی به حجاب نشده، اما اجرای آن از اوایل اکتبر عملاً به جلوگیری از ورود بسیاری از دختران محجبه به مدارس شده است. با تشدید نظارت‌ها، تصاویر دخترانی که پشت درهای مدارس مانده‌اند، اعتراض همکلاسی‌هایشان، تحریم کلاس‌های درس و گزارش فشار بر معلمان محجبه برای برداشتن روسری یا استعفا، موجی از واکنش‌ها را برانگیخته است. در همین راستا وزارت کشور جمهوری آذربایجان از بازداشت دست‌کم ۳۷ نفر در ارتباط با این اعتراضات خبر داده است.

نکته قابل توجه، شکل‌گیری یک موج از همبستگی متفاوت در جامعه آذربایجان است. گزارش‌ها حاکی از آن است که بسیاری از زنان و دخترانی که پیشتر حجاب نداشتند، برای حمایت از دانش‌آموزان و به نشانه اعتراض، حجاب بر سر می‌کنند. این اقدام نمادین در شبکه‌های اجتماعی نیز با انتشار ویدئوهایی با «شعار آزادی حجاب» در حال گسترش است.

این اتفاقات اما جامعه دو قطبی ایران را هم به واکنش واداشته است. با بازگشت به وقایع چند سال گذشته و اعتراضات ایران، در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی» شاهد یک پارادوکس جالب هستیم. در آن دوران در حالی که مردم برای حق انتخاب و آزادی پوشش مبارزه می‌کردند، گروهی از معترضان در حمایت از آنها، حجاب از سر برداشتند تا همبستگی خود را نشان دهند. درست برعکس چیزی که الان در آذربایجان جریان دارد. علاوه بر این، تقابل دیدگاه‌ها در مورد قانون نیز جابه‌جا شده است. در بحران پوشش در ایران، کسانی که مخالف پوشش اجباری بودند، از حق انتخاب سخن می‌گفتند، در حالی که مخالفان، بر اجرای سخت‌گیرانه قانون تاکید داشتند. اما در واکنش به اعتراضات آذربایجان، شاهد جابه‌جایی این دو طیف هستیم، کسانی که پیش از این مدافع آزادی پوشش بودند، اکنون با شعار قانون، قانون است»

ادامه در همین صفحه

قدرت تاثیر گذاری مجلس

* عاطفه پیرایش دانشجوی دکتری فلسفه



مشکلات کشور می‌گشاید؟

برخی نمایندگان تندروری مجلس با تعداد رای اندکی و بر پایه‌ی انتخاباتی به مجلس راه یافته‌اند که بخش بزرگی از جامعه اصلاً در آن شرکت نکرده بودند. این دسته حالا می‌گویند که عده‌ای به آنها اجازه نمی‌دهند تا وظایف خود را به عنوان نماینده انجام دهند و مجلس را بی‌اثر کرده‌اند. آنها خود را با مصدق و کاشانی مقایسه می‌کنند و بر این باورند که دارند ممکن است از دست خائن‌ان نجات می‌دهند. این دسته خود را نمایندگان ملت مبعوث معرفی می‌کنند. این عبارت حاوی این رویکرد است که بخشی از مردم بیشتر از سایرین می‌فهمند و خواسته‌های آنها باید به خواسته‌های دیگران ترجیح داده شود چون آنها مبعوث شده‌اند. به نظر می‌رسد که نمایندگان مردم در مجلس نیز قرائت متفاوتی از بند التزام به نظام جمهوری اسلامی دارند. التزام به نظام اگر به معنی قبول صددرصد همه اعمال نظام باشد، طبیعتاً هیچ محلی برای فعالیت نمایندگان و چهره‌های سیاسی باقی نمی‌گذارد و به نظر می‌رسد شورای نگهبان دقیقاً با همین رویکرد نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کند در حالی که کسانی که موافق نظارت استصوابی شورای نگهبان بر روند انتخابات هستند، بر این باورند که پذیرش نظام حاکم یک کشور به عنوان نظام مشروع لازم است شرکت در انتخابات هر کشوری است اما میان پذیرش این اصل و پذیرش تمام و کمال همه‌ی تصمیمات نظام و تک‌تک مواضع ریز و درشت آن کیلومترها فاصله است.

برای پاسخ گویی به این خواست عمومی صورت نمی‌گیرد، مجلس و سایر نهادهای قانونی کشور که می‌توانند تاثیر مثبتی بر وضعیت جامعه بگذارند و با تدبیر چاره‌ی کار، مانع از وقوع دوباره چنین اتفاقات تاسف‌انگیزی شوند، آن را کاملاً نادیده می‌گیرند.

همین نکته در مورد پرونده اعدام‌های سیاسی نیز صادق است. جامعه سالهاست که با احکام اعدام در پرونده‌های سیاسی مخالفت می‌کند اما نمایندگان مردم هیچ‌گاه این مخالفت را در مجلس بازتاب نمی‌دهند. چرا که این نمایندگان بیش از آنکه نمایندگان مردم باشند، خود را نمایندگان حاکمیت در مجلس می‌دانند و از این رو، آن دسته از گفته‌ها و خواسته‌های مردم را که خوشامد نظام نیست، اصلاً در مجلس بازگو نمی‌کنند، چه برسد به اینکه راهی برای اجرای خواسته‌های مردم بیابند. اگر قرار نیست نمایندگان در مجلس صدای ملت را به گوش نظام برسانند، این مجلس دقیقاً چه گرهی از

مدتی است که نمایندگان مجلس از وضعیت این نهاد ناراضی هستند و بر این باورند که مجازی شدن جلسات مجلس، به تعویق افتادن درخواست نمایندگان برای استیضاح وزیران و سایر مسائل سبب شده است که قدرت تاثیرگذاری مجلس بر سیاست کشور کاهش یابد و مجلس به حاشیه برود. اما واقعیت این است که مجلس از زمانی که نمایندگان پیگیری ری‌خواسته‌های مردم را کنار گذاشتند و به جای آن خواسته‌های سیاسی و جناحی خود را از دست دنبال کردند، جایگاه خود را از دست داد. از زمانی که اعتراضات عمومی در سطح جامعه هیچ بازتابی در مجلس پیدا نکرد و حتی خواسته‌های غیرسیاسی عموم نیز مورد بی‌اعتنایی مجلس قرار گرفت، یا شاید پیش از آن، از زمانی که شورای نگهبان با نظارت استصوابی خود، گزینه‌های موجود برای انتخاب نمایندگان را محدود کرد و گزینه‌های موجود چنان به یکدیگر شبیه شدند که انتخاب این یا آن فرد در نهایت تغییر محسوسی در ترکیب مجلس ایجاد نمی‌کرد، مجلس جایگاه خود را در ساختار سیاسی ایران از دست داد.

به عنوان مثال، پرونده‌های قتل را در نظر بگیرید که قربانی آن زنانی هستند که به سبب تعصبات و باورهای طایفه‌ای به قتل رسیده‌اند و اولیای دم شکایتی از قاتل نداشته‌اند یا اینکه اولیای دم و قاتل یکی بوده‌اند. هر بار که پرونده‌ای از این دست افکار عمومی را آشفته می‌کند، عموم مردم خواستار اصلاح قانون و حمایت حاکمیت از قربانی می‌شوند اما نه تنها هیچ اقدامی

حجاب و شکاف

بین دینداران و سکولارها

ادامه یادداشت

از اجرای مصوبات حمایت می‌کنند و کسانی که به پوشش مذهبی معتقد بودند، اکنون از حق انتخاب و آزادی پوشش دم می‌زنند. این تغییر مواضع ناگهانی، نشان می‌دهد که مسئله‌ی پوشش در ایران شاید فراتر از یک تقابل سیاسی صرف بیشتر بازتابی از سلیقه‌ها و باورهای درونی مردم در مواجهه با دنیای مدرن است. در واقع، این جابه‌جایی نقش‌ها، شکاف میان دو گروه از مردم را نشان می‌دهد: کسانی که سکولاریسم را به عنوان الگوی زیست خود پذیرفته‌اند و کسانی که همچنان با باورهای دینی خود همسو هستند و در شرایط مختلف، از جایگاه خود در این تقابل دفاع می‌کنند. یگ نکته جالب دیگر این است که سکولاریسم حکومتی در آذربایجان، معترضان را به «عامل ایران بودن» متهم می‌کند تا از این طریق، موج اعتراضات را در قالب حس ملی‌گرایی سرکوب کند؛ درست همان رویکردی که چهار سال پیش در ایران برای بی‌اعتبار کردن معترضان به کار گرفته شد. این الگو پرده از یک واقعیت تلخ برمی‌دارد: در جوامع اسلامی، شکاف میان مذهبی‌ها و سکولارها به ابزاری در دست دولت‌ها برای تولید ترس و کنترل جامعه تبدیل شده است. این شکاف عمیق، چالش بزرگی برای نخبگان و روشنفکران است؛ چرا که اگر این تضادها مدیریت نشود، امنیت و ثبات کشورها در برابر این دست بازی‌های سیاسی به شدت آسیب خواهد دید.

تلفن تماس

با دفتر روزنامه امین

۰۴۱-۳۳۳۵۲۷۷۴

۰۴۱-۳۳۳۵۲۷۷۹